هشدار دادن

تذکر دادن شخصی به این معنی است که به او بگویید رفتار او را رد می کنید.

معلم مارک را گوشزد کرد زیرا او آدامس می جوید

کلاس

شنیدنی

اگر چیزی شنیدنی باشد ، پس می توان آن را شنید.

صدای طبل ها از کیلومترها دور قابل شنیدن بود.

عالی

اگر چیزی یا کسی عالی باشد ، چشمگیر یا ترسناک است.

هواپیمای عظیم نظامی منظره ای عالی بود.

برحذر بودن

مراقب باشید یعنی مراقب چیزی یا کسی باشید که خطرناک است.

باید مراقب رانندگی سریع در جاده های مرطوب باشید.

لاف زدن

لاف زدن به معنای گفتن از توانایی ها یا دستاوردهای خود به روشی غرورآفرین است.

او عضلات قدرتمندی داشت و در کل کلاس در مورد آن لاف می زد.

هوشیار، آگاه

اگر کسی از چیزی آگاه است ، پس از آن آگاه است.

دانشجوی جدید از سایر دانشجویان که به او خیره شده اند آگاه بود.

مخالف بودن

مخالفت با کسی به معنای داشتن عقاید متفاوت از آنها است.

وکلا در مورد بهترین راه حل پرونده اختلاف نظر داشتند.

پژواک

پژواک به معنای این است که یک صدا تکرار می شود زیرا از یک شیoun برگشت می کند.

کودک بالای دره فریاد کشید و دیوار صدا را صدا داد.

سرانجام

اگر اتفاقی نهایی باشد ، در پایان یک سری اتفاقات رخ می دهد.

آموزش و برنامه ریزی مداوم ، تیم را به یک نتیجه نهایی رساند

پیروزی

اشاره

اشاره اطلاعاتی است که نشان می دهد اتفاقی می افتد یا درست است.

من بی سر و صدا نکاتی را به خواهرم در مورد این آزمون منتقل کردم.

ادم سفیه و احمق

سفیه شخصی است که باهوش نیست یا کاری احمقانه انجام داده است.

از آنجا که او در جنگل گم شد ، مرد احساس احمق کرد.

عظیم

اگر چیزی بسیار زیاد باشد ، بسیار بزرگ است.

برای خرید چنین قایق بزرگی مبلغ هنگفتی لازم بود.

غیر مستقیم

اگر چیزی غیرمستقیم باشد ، ساده ترین یا ساده ترین راه نیست.

او انتخاب کرد که غیر مستقیم ترین مسیر را به سمت ساحل طی کند.

گزینه

یک گزینه ، انتخاب بین دو یا چند مورد است.

به این کودکان سه خانه برای انتخاب داده شد.

سرگرمی

سرگرمی فعالیتی است که برای سرگرمی انجام می شود و غالباً انجام می دهید.

در آمریکا ، بیس بال به عنوان سرگرمی ملی در نظر گرفته می شود.

کامل

اگر چیزی عالی است ، پس بدون هیچ خطایی است.

او همه س questionsالات را درست دریافت کرد ، بنابراین نمره او عالی بود.

مشخص کردن

مشخص کردن چیزی به معنای دقیق قرار دادن آن است.

سیستم ناوبری در ماشین من قادر است مکان دقیق من را مشخص کند.

تعویض

تغییر کاربری به معنای تغییر چیز به چیز دیگری است.

مادر تلویزیون را از اخبار به برنامه مورد علاقه خود تغییر داد.

کامل

اگر چیزی یا کسی کامل است ، پس از هر لحاظ کامل است.

تینا کاملاً تمیز کردن لکه های فرش را انجام داد.

عذاب دادن

عذاب کشیدن کسی به معنای رنج بردن عمدی وی است.

او برادر کوچکش را با گرفتن اسباب بازی مورد علاقه اش عذاب داد.

مرد جوان و پیرمرد مرد جوان و پیرمرد

یک جوان مغرور به دنبال یک سرگرمی جدید بود. او درباره مردم در حال پیاده روی در پارک های ملی شنید و تصمیم گرفت این کار را برای خودش امتحان کند. همانطور که قدم زدن را شروع کرد ، پیرمردی به طرف او رفت.

پیرمرد گفت: "این راه را نرو". "برحذر بودن. مسیرها مشخص نیست. گم شدن آسان است. "

اما مرد جوان با پیرمرد مخالف بود و لاف می زد که درک کاملی از پارک دارد. او به او گفت: "من نقشه های این منطقه را مطالعه کردم." "من معتقدم که من شناخت کاملی از این مسیرها دارم. من گم نخواهم شد. "

پیرمرد به سخنان مرد جوان گوش فرا داد و سپس او را به خاطر غرور خود پند داد.

وی گفت: "من تمام زندگی خود را در این مسیرها طی کردم." "اگر فکر می کنید که در امان خواهید بود ، ادامه دهید."

مرد جوان ، پیرمرد را نادیده گرفت و مسیر را دنبال کرد.

هر زمان که مجبور به انتخاب راهی آسان یا دشوار می شد ، همیشه گزینه دشوارتر را انتخاب می کرد. بعلاوه ، او آگاه نبود که به کدام سمت می رود. بعد از مدتی تصمیم گرفت به خانه برگردد. از آنجا که مسیر او در بیابان بسیار غیر مستقیم بود ، او تصوری از کجا داشت.

او به نقشه خود نگاه کرد اما نتوانست مکان خود را مشخص کند. او یکی پس از دیگری راه را طی کرد اما خیلی زود فهمید که گم شده است.

خورشید در حال غروب بود و وزش شدید باد ناگهانی خبر از باریدن باران می دهد. ابرهای عظیم آسمان را پر کرده اند. صداهای عالی رعد و برق از همه جهات قابل شنیدن بودند. از کوهها پژواک می گرفت. فکر طوفان نهایی ، مرد جوان را عذاب داد. او در یک جهت عجله کرد ، اما خیلی زود از سردرگمی خارج شد. خوشبختانه ، او را به بیرون از پارک هدایت کرد.

وقتی به خانه رسید ، فهمید که مثل یک سفیه رفتار کرده است. او فهمید که خوش شانس است که زنده است. او تصمیم گرفت به حرف افراد با تجربه بیشتر از خودش گوش دهد